



طرح استقلال بانک مرکزی و احیای شورای پول و اعتبار

با توجه به این که
سیاستمداران معمولاً
دغدغه های کوتاه
مدت دارند و
می توانند از
نوسانات اقتصادی
بهره برداری خاص
خود را بنمایند، لذا
ثبات اقتصادی اولین
قربانی چنین وضعی
خواهد بود.

فارس گفت: با توجه به اتفاقاتی که اخیراً در حوزه ریاست بانک مرکزی افتاده و منجر به تغییر رییس کل بانک مرکزی شده، کمیسیون اقتصادی و چند نفر از اعضای آن مامور شدند که هر چه زودتر طرح دوفوریتی استقلال بانک مرکزی را تنظیم و به مجلس ارایه کنند. وی در ادامه تأکید کرد: بانک مرکزی، قلب تپنده اقتصاد است و مدیریت ناپایدار حاکم بر آن، واقعا به اقتصاد ما لطمه می زند.

غلامرضا مصباحی مقدم، رییس کمیسیون اقتصادی مجلس هم در باب طرح دوفوریتی استقلال بانک مرکزی اظهار داشت: طرح دوفوریتی مجلس برای استقلال بانک مرکزی، این بانک را از حوزه اختیارات یک قوه خارج کرده و رییس کل بانک مرکزی با معرفی رییس جمهور و تصویب مجلس دارای اختیارات بیشتری می شود. به گفته وی، کلیات طرح استقلال بانک مرکزی این است که بانک مرکزی، بانک نظام جمهوری اسلامی ایران است، نه بانک ویژه دولت. بنابراین، به لحاظ مدیریت نیز بستگی به کلیت نظام پیدا می کند.

مصباحی مقدم در توضیح این دیدگاه گفت: مدیریت بانک مرکزی در برخی نقاط دنیا از حیثه اختیارات دولت خارج شده و اگر رکن بالاتری چون جایگاه معظم رهبری در ایران وجود داشته باشد، به آن سپرده می شود، یا به عنوان موضوعی مشترک در حیثه وظایف مجلس و دولت قرار می گیرد. اکنون نیز پیشنهاد در همین حد است که رییس کل بانک مرکزی همچون وزیران دولت، با پیشنهاد رییس جمهوری و تصویب مجلس تعیین شود و در مقابل مجلس پاسخگو باشد. بر این اساس، عزل رییس کل بانک مرکزی نیز با نظر مجلس خواهد بود. در این صورت، مدیریت بانک مرکزی از ثبات بیشتر و استقلال تصمیم گیری بهتری برخوردار خواهد بود، و حتی ممکن است که رییس کل بانک مرکزی با تغییر دولت تغییر نکند، چه رسد به این که در یک دولت چند رییس کل بانک مرکزی عزل و نصب شوند.

مبانی نظری استقلال بانک مرکزی^(۱)

استقلال در طبیعت وظایف بانک مرکزی نهفته است و لزوم استقلال نظام و مدیریت پولی کشور از نفوذ سیاستها

خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) در اواسط مهرماه ۸۷ اعلام کرد که یک عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، از تهیه و تنظیم طرح استقلال بانک مرکزی از سوی برخی از اعضای این کمیسیون خبر داده است.

شکور اکبرنژاد با اعلام این خبر به خبرگزاری مزبور، در تبیین دلایل تهیه این طرح گفت: با توجه به این که با تغییر دولت‌ها بحث تغییر رییس بانک مرکزی پیش می آید، لذا اگر بانک مرکزی دست دولت باشد، مسایل و مشکلات متعدد مالی و پولی برای کشور پیش می آید. وی افزود: اگر نصب و عزل رییس بانک مرکزی در دست دولت نباشد، مطمئناً بانک مرکزی می تواند ثبات بیشتری داشته باشد، لذا در این راستا این طرح در حال تهیه است.

نماینده مردم تبریز در خانه ملت در ادامه تصریح کرد: در صورت تهیه و تصویب این طرح، دیگر اینگونه نیست که هر دولتی که روی کار آمد، اقدام به تغییر رییس بانک مرکزی کند، چرا که این اقدام، کشور را در مسایل پولی و مالی دچار مشکل می کند. این عضو کمیسیون اقتصادی مجلس افزود: به همین دلیل، پیشنهاد شده که طرحی توسط برخی از اعضای کمیسیون اقتصادی نوشته شود و بعد از آن که کارشناسان در مورد آن نظر دادند، برای ارایه در اختیار مجلس قرار گیرد.

وی درباره دو فوریتی بودن این طرح نیز گفت: فوریت آن به آن اندازه اهمیت ندارد و عجله ای نیست که بخواهیم فوریت به آن بدهیم و بگوییم چون به کشور ضرر خاصی وارد می شود، باید این طرح سریعاً در دستور کار مجلس قرار گیرد. اگر این طرح چند ماه بعد نیز مطرح شود، مشکلی نخواهد بود. اکبرنژاد در پایان گفت: برخی از همکاران ما در کمیسیون اقتصادی مجلس مامور تهیه این طرح شده اند و در این زمینه کار را شروع کرده اند و بحث‌های آن نیز صورت گرفته است.

همزمان با این خبر، مطلب دیگری از سوی خبرگزاری فارس منتشر شد حاکی از این که طرح دو فوریتی استقلال بانک مرکزی به مجلس می رود.

مطابق این گزارش، محمدرضا خباز، یکی دیگر از اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس، در گفتگو با خبرگزاری



الزامات ناشی از سیاست‌های مالی دولت، دست و پای بانک مرکزی را بسته است.

مقامات مالی یا همان دولت، مهم‌ترین دغدغه خود را رشد اقتصادی و اشتغال قرار می‌دهند. با توجه به این که سیاستمداران بر مسندهای سیاستگذاری تکیه می‌زنند، لذا احتمال سوء استفاده آنها از موقعیت‌شان در جهت اهداف سیاسی شان وجود دارد. همچنین با توجه به اینکه سیاستمداران معمولاً دغدغه‌های کوتاه مدت دارند و می‌توانند از نوسانات اقتصادی بهره‌برداری خاص خود را نمایند، لذا ثبات اقتصادی اولین قربانی چنین وضعی خواهد بود. از آنجا که ثبات اقتصادی منافع خود را در بلندمدت ظاهر می‌کند، همیشه این انگیزه وجود خواهد داشت که فعلاً مصالح دیگر را اولویت دهیم و بعداً ایجاد ثبات و کاهش تورم را در دستور کار بگذاریم. این وضعیت موجب می‌شود تا در بلندمدت، همواره بی‌ثباتی در اقتصاد نهادینه شود. راه حلی که برای این مساله پیش‌بینی شده، استقلال بانک مرکزی از دولت و تفکیک سیاستگذاری مالی از سیاستگذاری پولی است.

استقلال بانک مرکزی در سیاستگذاری، دارای دو بعد است: استقلال در هدفگذاری و استقلال در عملیات و اجرا. استقلال در هدفگذاری به این معنی است که نخبگان مسایل اقتصادی و پولی که در بانک‌های مرکزی جمع می‌شوند، براساس درک خود از اقتصاد، اهداف مشخصی را برای سیاستگذاری پولی برمی‌گزینند و سیاست‌های پولی را در

و برنامه‌های به ویژه کوتاه مدت دولت‌ها و منافع گروه‌های مختلف سیاسی، از جمله مهم‌ترین علل پیدایش بانک‌های مرکزی و ایجاد آن در کشورهای مختلف جهان است.

به عبارت دیگر، بانک مرکزی وقتی مستقل به شمار می‌آید که بتواند وظایف خود را مستقل از هر گونه فشار سیاسی و یا روابط ویژه دولت و براساس ضوابط و قوانین اقتصادی - و نه سیاسی - انجام دهد.

اگر بپذیریم که وظیفه اصلی بانک مرکزی، کنترل رشد عرضه پول و از این طریق، کنترل تورم و حفظ ثبات قیمت‌هاست، در این صورت، بانک مرکزی نمی‌تواند بدون هیچ گونه محدودیت، تامین کننده منابع مالی و استقراض دولت‌ها باشد، زیرا در تعارض قرار می‌گیرد، بدین معنا که وقتی دولتی - به دلایل مختلف، از جمله مدیریت اقتصادی نامناسب - دچار بحران‌های مالی متوالی و کسر بودجه‌های فزاینده شود، نیاز به پول پیدا می‌کند و تمایل دارد که بانک مرکزی را تحت فشار قرار دهد و به خلق پول و انتشار اسکناس بیش از حد مجاز دست بزند و به این ترتیب، مشکل خود را در کوتاه مدت به صورت ظاهر التیام دهد، اما این کار به ضرر منافع بلندمدت اقتصادی کشور است، زیرا آثار آن در دوره بعدی یا دولت بعدی ظاهر خواهد شد. این کار را می‌توان معامله منافع بلندمدت اقتصادی کشور با منافع کوتاه مدت اقتصادی و پرستیژ سیاسی کوتاه مدت یک دولت بشمار آورد. از جمله موارد دیگری که در منافع استقلال بانک مرکزی آورده می‌شود، این است که بانک‌های مرکزی مستقل قادرند سیاست‌های صحیح‌تری را نسبت به بانک‌های مرکزی وابسته تنظیم و اجرا کنند. سیاست‌های پولی مستقل نیز به نوبه خود دارای آثار مثبتی در متغیرهای اقتصاد کلان است. به عبارت دیگر، وقتی که بانک مرکزی از نفوذ و فشارهای سیاسی مصون باشد، با اعمال سیاست‌های پولی صحیح، بهتر می‌تواند تورم را مهار کند، از کسر بودجه دولت تا حد زیادی بکاهد، به رشد تولید ملی سرعت بخشد و نرخ بهره را نیز به تعادل نزدیک‌تر کند. بنابراین، با توجه به این که وظایف بانک مرکزی از محدوده دوره زمامداری یک دولت یا یک حزب فراتر می‌رود و به طور کلی، جهت گیری سیاست‌های پولی در دوره یک دولت یا یک حزب، می‌تواند آثار منفی بر دوره‌های بعدی یا بر دولت‌های بعدی داشته باشد، لذا بحث استقلال بانک مرکزی به صورت جدی مطرح و ضروری است.

خطرات فراموشی استقلال بانک مرکزی^(۳)

در اقتصاد، معمولاً دو مرجع اصلی سیاستگذاری اقتصادی معرفی می‌شوند: بانک مرکزی و وزارت دارایی (که در ایران بخش عمده‌ای از وظایف این وزارتخانه به سازمان برنامه محول شده است). دلیل این تفکیک آن است که دو گونه سیاستگذاری اقتصادی به شکل کلی ممکن است که عبارتند از: سیاست‌های پولی و سیاست‌های مالی. این سیاست‌ها ناظر به اهداف متفاوتی هستند. مقامات پولی یا همان بانک مرکزی، مهم‌ترین دغدغه خود را ایجاد ثبات در اقتصاد، و



بانک مرکزی، قلب تپنده اقتصاد است.

احیای شورای پول و اعتبار بعد از ۱۴ ماه^(۳)

مجمع تشخیص مصلح نظام رای به احیای مجدد شورای پول و اعتبار و ۱۷ شورای عالی دیگر داد تا به ۱۴ ماه سردرگمی بانک مرکزی در اتخاذ سیاست‌های پولی و بانکی و دخالت نهادهای غیرمسئول در تصمیمات کلان نظام بانکی کشور پایان دهد.

شورای پول و اعتبار در مرداد ماه سال گذشته، براساس مصوبه شورای عالی اداری، در شورای عالی مدیریت و برنامه ریزی و سپس در بهمن ماه همان سال و براساس مصوبه هیات وزیران، در کمیسیون اقتصادی دولت ادغام شد. نمایندگان مجلس با اعتراض به این دو مصوبه، با تصویب طرحی دوفوریتی خواستار ابقای این شوراها شدند. این مصوبه پس از دوبار رفت و برگشت میان مجلس و شورای نگهبان، در نهایت به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شد.

طهماسب مظاهری، رییس کل سابق بانک مرکزی به طور جدی به دنبال احیای دوباره شورای پول و اعتبار بود و یکی از پیش شرط‌های وی برای پذیرش پست ریاست بانک مرکزی، همین مساله بود که هیچ‌گاه به این وعده وفا نشد تا این که برکنار شد.

سرانجام مجمع تشخیص مصلحت نظام عصر روز ششم مهرماه با حضور اکثریت اعضا تشکیل جلسه داد و تصویب کرد که ۱۸ شورای عالی حذف و یا ادغام شده، از جمله شورای پول و اعتبار، با حفظ اختیارات، وظایف و اعضای آن‌ها همچون گذشته براساس قوانین ذی‌ربط تشکیل و اداره شوند. یادآوری می‌کند که شورای پول و اعتبار به منظور مطالعه و اتخاذ تصمیم درباره سیاست کلی بانک مرکزی و نظارت بر امور پولی و بانکی کشور، عهده‌دار وظایف مهمی همچون اظهار نظر در مسایل بانکی، پولی و اعتباری کشور و همچنین اظهار نظر نسبت به لوایح مربوط به وام یا تضمین اعتبار و هر موضوع دیگری که از طرف دولت به شورا ارجاع می‌شود، است.

براساس قانون، شورای پول و اعتبار موظف است به ارایه نظر مشورتی و توصیه به دولت در مسایل بانکی بپردازد. انحلال شورای پول و اعتبار در سال گذشته پس از آن قوت

جهت تحقق آن اهداف تنظیم می‌کنند. اهمیت این بعد از استقلال بانک مرکزی در همان نکاتی است که در بالا به آن‌ها اشاره شد.

تصریح این نکته ضروری است که مسوولان بانک مرکزی نسبت به مقوله رشد اقتصادی و نقش سیاست‌های پولی در نزدیک نگه داشتن عملکرد اقتصاد با ظرفیت‌های واقعی آن آگاه هستند، ولی عموماً مسوولان بانک مرکزی محافظه‌کارتر از دولت‌ها هستند و وزن بیشتری را برای ثبات اقتصادی قابل می‌شوند، در حالی که مسوولان اجرایی همواره مقامات پولی را سرزنش می‌کنند که چرا به بالا نگه‌داشتن تولید در اقتصاد کم توجه هستند؟

استقلال در عملیات هم به این معنی است که حتی اگر خود مسوولان بانک مرکزی اهداف پولی را تعیین نکنند و نظام سیاسی این اهداف را برای آن‌ها تعیین کند، باز هم آن‌ها این اختیار را داشته باشند که از ابزارهای خود به نحوی که خود صلاح می‌دانند، در جهت تحقق اهداف استفاده کنند و سیاست‌های پولی، تابعی از سیاست‌های مالی دولت نباشد. با این مقدمه، می‌توان وضعیت ایران را مجدداً تحلیل کرد. در ایران نه استقلال هدفگذاری بانک مرکزی دیده می‌شود و نه استقلال عملیاتی آن. معمولاً اهداف پولی توسط مجلس و لوایح دولت در زمینه برنامه‌های پنج ساله برای بانک مرکزی تعیین می‌شود. علاوه بر آن، نظام سیاسی و سیاستگذاری اقتصادی، استقلال عملیاتی بانک مرکزی را نیز به رسمیت نمی‌شناسد، به این معنی که مستقیماً در تعیین نرخ بهره، رابطه بانک مرکزی با بانک‌ها، نرخ سود سپرده، حجم تسهیلات و چگونگی توزیع آن در میان بخش‌های مختلف اقتصاد دخالت می‌کند.

ریشه مشکلات فعلی را باید در همین عدم استقلال جست و جو کرد. تعارض موجود میان آقای مظاهری و دولت، تعارض بر سر حفظ استقلال بانک مرکزی در هر دو بعد بود که با کنار رفتن ایشان از این مسوولیت، معلوم می‌شود که دیدگاه‌های دولت غلبه یافته است.

نکته‌ای که باید در این فرصت به آن با صراحت اشاره کرد، این است که دولت باید از این فرصت ایجاد شده حداکثر استفاده را در جهت تحقق اهداف خود نماید و منتظر بماند تا تبعات سیاست‌های آشکار شود. اگر این تبعات مثبت بود، با افتخار از انجام چنین ریسکی یاد خواهد شد و مدافعان بانک مرکزی ناگزیر از تجدیدنظر در دیدگاه‌هایشان خواهند بود، اما اگر این تبعات منفی بود، دولت باید علنی و آشکار مسوولیت آن را بپذیرد و به صراحت غلط بودن این ایده را اعلام کند.

شاید تنوع دیدگاه‌ها در عرصه نظر، امر میمون و مبارکی باشد، اما در عرصه عمل، سم مهلکی به شمار می‌آید. حال که تعارض دیدگاه‌ها میان دو بخش مهم از سیاستگذاری اقتصادی به کلی رخت بر بسته، فرصتی است که دیدگاه غالب در ترازوی اجرا محک خورد. باید منتظر ماند و پیامد غلبه ایده طرح‌های زود بازده را به عنوان مهم‌ترین تکیه‌گاه سیاست‌های دولت شاهد بود.

**بانک مرکزی وقتی
مستقل بشمار می‌آید
که بتواند وظایف
خود را مستقل از هر
گونه فشار سیاسی و
یا روابط ویژه دولت
و براساس ضوابط و
قوانین اقتصادی - و
نه سیاسی - انجام
دهد.**



این کارشناس ارشد مسایل سیاسی در ادامه خاطرنشان ساخت: احیای این شوراهای عالی برابر با مصوبه مجمع تشخیص مصلحت از آن جا صورت گرفت که برخی از نهادها به حذف این شوراها، از جمله شورای پول و اعتبار انتقاد داشتند و مصوبه مجلس با تصویب این مصوبه این دغدغه‌ها را برطرف نمود. از طرف دیگر، دولت می‌تواند با استفاده از این شوراها و تکیه بر نظریات کارشناسی، بر کیفیت تصمیمات خود بیفزاید و از هر گونه تصمیمات ناصواب پرهیز کند.

احیای بازوی بانک مرکزی (۵)

شورای پول و اعتبار، یکی از موثرترین و کارشناسانه‌ترین شوراهای برای طراحی و تصمیم‌گیری سیاست‌های پولی در کشور بوده است. به جرات می‌توان گفت که این شورا از بدو تاسیس، بازوی سیاستگذاری اصلی بانک مرکزی بوده است و از این رو، بسیار شبیه به مجمع سیاستگذاری بانک‌های مرکزی جهان عمل کرده است.

شورای پول و اعتبار مرکب از یازده عضو به شرح زیر است:

- وزیر امور اقتصادی و دارایی یا معاون وی.
- رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور یا معاون وی.
- دو تن از وزرا به انتخاب هیات وزیران.
- وزیر بازرگانی.
- دو نفر کارشناس و متخصص پولی و بانکی به پیشنهاد رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و تایید ریاست جمهوری.
- دادستان کل کشور یا معاون وی.
- رییس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران.
- رییس اتاق تعاون.
- نمایندگان کمیسیون‌های «امور اقتصادی» و «برنامه و بودجه و محاسبات» مجلس شورای اسلامی (هر کدام یک نفر) به عنوان ناظر با انتخاب مجلس.

ریاست شورا بر عهده رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. هر عضو از طرف سازمان متبوع خود مسایل را دنبال می‌کند و همه قوا در شورا نمایندگانی فعال دارند و بخش خصوصی نیز به نمایندگی اتاق بازرگانی دیدگاه بخش خصوصی را در شورا ارائه می‌دهد.

بانک مرکزی موظف است گزارش‌های ملون، دقیق و به لحاظ علمی پذیرفتنی ارائه کند. این گزارش‌ها در شورا مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته و به بحث گذاشته می‌شوند و نهایتاً جمع‌بندی جلسات به مثابه سیاست‌های پولی کشور به اجرا گذاشته می‌شود.

متأسفانه چنین نهادی بدون رعایت دقیق موازین قانونی و بدون بررسی کارشناسانه موضوع، محل اعلام و اظهار می‌شود که شورا در کمیسیون اقتصادی دولت ادغام شده است. استدلال می‌شود که همان کاری که شورا انجام می‌داده است، کماکان در کمیسیون اقتصادی دنبال خواهد شد، غافل از این که تصمیمات شورای دولتی و رییس جمهوری نمی‌تواند تصمیمات شورایی

گرفت که این شورا با نظر رییس جمهوری در مورد کاهش نرخ سود بانکی مخالفت کرد. بدیهی است که خلأ شورای پول و اعتبار در یک سال گذشته، مشکلات بسیار زیادی را بر سر راه بانک مرکزی در اتخاذ سیاست‌های پولی ایجاد کرده بود و دخالت نهادهای مختلف در این سیاست‌ها را به اوج رسانده بود.

احیای شوراهای عالی، از شتابزدگی در تصمیمات جلوگیری می‌کند (۴)

فلسفه احیای شوراهای عالی براساس اتکای بیشتر امور اجرایی به نظریات کارشناسی در کشور است و تصمیم‌گیری و تمرینش مجمع تشخیص در احیای هجده شورای عالی تصمیم‌گیری در کشور، گامی بزرگ برای پیشبرد توسعه و نظام کارشناسی ملی است.

رضا طلایی نیک در گفت و گو با خبرنگار «تابناک» گفت: هجده شورای عالی، براساس هجده قانون مجلس در ادوار گذشته مجلس به تصویب رسیده بود که انحلال این شوراهای عالی و تصمیم‌گیری در امور مختلف آموزشی، اقتصادی، اجتماعی و زیرساختی کشور، یکی از معضلات نظام تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی کشور شده بود که مجمع تشخیص با تایید مصوبه مجلس شورای اسلامی، شوراهای مذکور را احیا کرد.

این نماینده ادوار ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی با اشاره به این که مجلس طی پنج مرحله احیای این شوراهای تصویب کرد، افزود: مجلس شورای اسلامی در ابتدا با تصویب فوریت و سپس اصلاح ایرادات وارده از سوی شورای نگهبان و در نهایت برای پنجمین بار با رای قاطع این مصوبه را برای بحث و بررسی به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال نمود و در نهایت این مجمع نظر به اصرار و اهتمام نمایندگان مردم و با استفاده از نظریات نخبگان ملی و ساعت‌ها کار کارشناسی، مصوبه مجلس شورای اسلامی را تایید کرد.

دبیر کل حزب توسعه و عدالت ایران اسلامی سپس با انتقاد از حذف شوراهای عالی در ادامه افزود: بهره‌برداری ساختار مدیریت اجرایی از تصمیمات و نظریات کارشناسی و فرابخشی این شوراهای هجده گانه، قطعاً کارآمدی دستگاه‌های اجرایی را ارتقا خواهد داد. کنار گذاشتن شوراهای عالی با بیش از نیم قرن تجربه در کشور، طبق قوانین بی‌ربط، به معنی نادیده گرفتن تجارب قبل و بعد از انقلاب در نظام تصمیم‌گیری از طریق شوراهای تخصصی و عالی، به ناکارآمدی تصمیمات در کشور منجر شد.

این نماینده سابق مجلس شورای اسلامی در ادامه اظهار داشت: از جمله شوراهایی که در این بین منحل شده‌اند، می‌توان به شورای عالی آموزش و پرورش، پول و اعتبار و اقتصاد اشاره کرد که حذف این شوراهای عالی که در اثر نادیده گرفتن قوانین مربوطه بوده است، در دو سال اخیر باعث پیدایش نارسایی‌ها و معضلات اقتصادی، آموزشی و اجتماعی شده است و منشا اتخاذ برخی تصمیمات نسنجیده و شتابزده را که باعث بروز یک سری ناهماهنگی‌ها شد، می‌توان به خاطر انحلال این شوراهای عالی دانست.

لزوم استقلال نظام و مدیریت پولی کشور از نفوذ سیاست‌ها و برنامه‌های به ویژه کوتاه مدت دولت‌ها و منافع گروه‌های مختلف سیاسی، از جمله مهم‌ترین علل پیدایش بانک‌های مرکزی در کشورهای مختلف جهان است.

اجرای بهتر طرح تحول اقتصادی مناسب دید: برای اجرای طرح تحول اقتصادی، لازم بود تیم اقتصاد دولت یکدست شود.

این جمله احمدی نژاد بیش از آنکه سیاسی باشد، معطوف به این نگاه است که سیاست‌های بانک مرکزی نمی‌تواند منفک از سیاست‌های کلی دولت اتخاذ شود و البته این نگاه دارای سابقه در برخی محافل کارشناسی است تا آنجا که حتی تعدادی از کشورهای توسعه یافته، مثل آلمان، مدام از استقلال بانک مرکزی کشورشان کاسته‌اند. نمونه ورود فدرال رزرو به بحران‌های اقتصادی آمریکا و طرح ۷۰۰ میلیارد دلاری نیز از همین حیث دارای اهمیت است.

اما غلامرضا مصباحی مقدم که به عنوان طراح طرح استقلال بانک مرکزی گفت و گو می‌کند، معتقد است که کلیات طرح استقلال بانک مرکزی این است که بانک مرکزی، بانک نظام جمهوری اسلامی ایران است، نه بانک دولت. به نظر وی، مدیریت بانک مرکزی در برخی نقاط دنیا از حیثه اختیارات دولت خارج شده و اگر رکن بالاتری چون جایگاه معظم رهبری در ایران وجود داشته باشد، به آن سپرده می‌شود. البته مصباحی مقدم طرح استقلال را فعلا در حد تعیین رییس کل بانک مرکزی همچون وزیران دولت می‌داند: براین اساس، اگر عزل رییس کل نیز با نظر مجلس باشد، عملکرد بانک مرکزی بهتر خواهد بود. در این صورت، مدیریت بانک مرکزی از ثبات بیشتر و استقلال تصمیم‌گیری بهتری برخوردار خواهد بود و حتی ممکن است رییس کل بانک مرکزی با تغییر دولت، تغییر نکند، چه برسد به این که در یک دولت چند رییس کل بانک مرکزی عزل و نصب شوند.

این در حالی است که الیاس نادران با این استدلال مخالف است و در همین رابطه به خبرنگار کیهان گفت: این طرح نه اختیار دولت را کم می‌کند و نه اختیار مجلس را افزایش می‌دهد، و حتی با تصویب آن نیز ثبات بیشتری در سیاست‌های پولی ایجاد نخواهد شد، چرا که مشکل بی ثباتی در اقتصاد را در جای دیگری باید جست و جو کرد. به گفته وی، در صورت تصویب این طرح، باز هم اختیار دولت در سیاست‌های پولی کم نمی‌شود، چه آن که لوائح مربوط به برداشت از حساب ذخیره ارزی و یا انتشار اوراق مشارکت و غیره نیز نشان داده است که سیاست‌های مورد نظر دولت در مجلس رای آورده است.

البته محمد خوش‌چهره در پاسخ به این استدلال در گفت و گو با خبرنگار کیهان یادآور شد: ممکن است نقش مجلس در سیاست‌های پولی دولت کم بوده است، اما تا حد امکان دولت را محدود کرده است. نماینده مجلس هفتم معتقد است که اغلب دولت‌ها تنها به منافع کوتاه مدت خود فکر می‌کنند و بانک مرکزی می‌تواند با توجه به منافع بلند مدت، مستقل عمل کند. وی در همین رابطه به برداشت بی رویه از حساب ذخیره ارزی اشاره می‌کند: دولت برای بالا بردن رشد اقتصادی و یا سیاست‌هایی از این دست، مدام به بانک مرکزی به عنوان یک قلک نگاه کرده و از حساب ذخیره ارزی برداشت کرده است. از خوش‌چهره سوال شد: مگر تصویب برداشت از

باشد که در آن همه قوای سه‌گانه نمایندگی دارند و در آن بخش خصوصی نیز در تصمیم‌گیری دخالت دارند.

وجود شورای پول و اعتبار تا حدی استقلال بانک مرکزی از دولت را تضمین می‌کرده است، یعنی آنچه دولت به دنبال آن بوده است، باید به تأیید شورا می‌رسید. ادغام آن در دستگاه دولتی، همین استقلال نسبی را نیز از بین برده است. حتی در موضوعاتی چون تعیین اداری نرخ سود بانکی، تعیین این نرخ توسط رییس جمهوری یا کمیسیون اقتصادی دولت، با تعیین آن توسط شورای پول و اعتبار متفاوت است. شورای پول و اعتبار همچون ارگان سیاستگذاری سایر بانک‌های مرکزی، حق دارد نوعی نرخ پایه برای سود تعیین کند، نرخ‌هایی که در آن نظر تمامی اطراف موضوع لحاظ می‌شود، اما طبعاً تصمیم دولت در مورد نرخ بیشتر مبتنی بر نیازهای دولت است تا تامین منافع همه طرف‌های ذی‌نفع، یعنی اخذ این تصمیمات از طرف دولت به جای آن که نیازهای سیاست پولی بلند مدت کشور را تامین کند، نیازهای کوتاه مدت دولت را پاسخ خواهد داد.

شورای پول و اعتبار علاوه بر بررسی عملکرد و سیاست‌های پولی و اعتباری، هر سه ماه گزارش‌های اقتصاد کلانی را دریافت می‌کند که به اتکای بدنه کارشناسی بانک مرکزی تهیه می‌شود. اعضا واقعیات منعکس در این گزارش‌ها را به سازمان‌های متبوع و طرف‌های ذی‌نفع خود انتقال می‌دهند و این تبادل اطلاعات تاکنون نقش عمده‌ای در تصمیم‌سازی داشته است.

خبر مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تجدید حیات شورای پول و اعتبار، خبری مسرت بخش است و آن شاءالله به سرعت اجرایی خواهد شد. امید می‌رود این مصوبه از انحراف بزرگی که رخ داده و بانک مرکزی را به طور کامل تحت کنترل دولت درآورده بود، جلوگیری کند و استقلال نسبی بانک مرکزی را به آن بانک برگرداند. امید است تفکیک سیاست‌های پولی از سیاست‌های مالی (بودجه‌ای) ممکن شود و به این ترتیب مصالح ملی در کلیت آن در مدنظر قرار گیرد.

استقلال یا ناهماهنگی؟^(۶)

همزمان با بحث طرح دوفوریتی استقلال بانک مرکزی، روزنامه کیهان هم در گفتگویی با کارشناسان مختلف به آرایه دیدگاه‌های خویش پرداخت و نوشت: یک هفته پس از استعفای مظاهری از ریاست بانک مرکزی، کمیسیون اقتصادی مجلس ضمن انتقاد از جابجایی‌های صورت گرفته در بزرگ‌ترین نهاد پولی کشور، طرح خاک خورده استقلال بانک مرکزی را مجدداً با قید دو فوریت زنده کرد. تعدادی از موافقان این طرح در مجلس، دو فوریت این طرح را ناشی از جابجایی به طور متوسط سالی یکبار رییس کل بانک مرکزی و تورم بالای ۲۰ درصد می‌دانند.

به گفته این نمایندگان، استقلال بانک مرکزی بایستی پیش از این انجام می‌شد، اما به نظر نمی‌رسد که دولت در شرایط فعلی با این طرح موافق باشد، چه آنکه رییس جمهور استعفای مظاهری را به فال نیک گرفت و خروج وی از کابینه را برای



دولت‌ها بیشتر به منافع کوتاه‌مدت خود فکر می‌کنند. اما بانک‌های مرکزی می‌توانند اهداف بلندمدت را هم رصد کنند.

ناهماهنگی در اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد اشاره می‌کند و آن را متفاوت از مستقل بودن یک نهاد پولی می‌داند. به نظر او، این نوع استقلال یا ناهماهنگی، بیشتر به ضرر اقتصاد است تا رشد و توسعه. این موضوعی است که نادران هم به آن اشاره می‌کند.

نماینده مجلس هشتم می‌گوید: استقلال بانک مرکزی یک شعار شیک است که تنها به درد محافل علمی می‌خورد و در شرایط فعلی، مشکلی از پیش راه اقتصاد ایران برنمی‌دارد. او معتقد است که این طرح با واقعیت‌های اقتصاد ایران مطابقت ندارد.

خیرالأمور

اگر چه وجود عقاید و آرای گوناگون از سوی دولتمردان و کارشناسان نسبت به یک موضوع واحد، نشانه آزادی اندیشه و بیان است و همین برخورد اندیشه‌ها می‌تواند به انتخاب بهترین گزینه منجر شود و تأمین مصالح ملی را تضمین کند، اما این آثار مثبت هنگامی وجود خواهند داشت که طرفین بحث از شرایط لازم برای مدیریت علمی و منطقی بحث برخوردار باشند و با نیت خیر و به دور از اغراض و خودخواهی‌ها و گروه‌گرایی‌ها، به سوی هدف مشترک که همانا حفظ منافع ملی است، حرکت کنند، در غیر این صورت، باید از دست وسوسه‌های شیطانی که به صورت‌های مختلف ظاهر می‌شود، به خدا پناه برد. ضرب‌المثل «خیرالأمور اوسطها» نیز ناظر بر همین مفهوم است که افراط و تفریط را مردود می‌داند و میانه روی و تعادل را که دورترین نقطه از دو سر طیف افراط و تفریط است، توصیه می‌کند.

- ۱) دکتر محمد حسین عادل / درآمدی بر استقلال بانک مرکزی / موسسه تحقیقات پولی و بانکی / فروردین ۱۳۷۰
- ۲) علی سرزعی / دنیای اقتصاد / هشتم مهرماه ۱۳۸۷
- ۳) همشهری / هشتم مهرماه ۱۳۸۷
- ۴) سایت خبری - تحلیلی تابناک / هشتم مهر ۱۳۸۷
- ۵) دکتر اکبر کمیجانی / روزنامه سرمایه / هشتم مهر ۱۳۸۷
- ۶) روزنامه کیهان / ۱۴ مهر ۱۳۸۷

حساب ذخیره ارزی تا امروز با مجلس نبوده است که حالا بخواهد با استقلال بانک مرکزی نظارت خود را بیشتر کند؟ و اساساً استقلال بانک مرکزی چه ارتباطی به افزایش نظارت موثر مجلس بر سیاست‌های پولی دارد؟ که وی اذعان می‌دارد: دولت برای فرار از مجلس راه‌هایی دارد که بتواند خودسرانه تصمیم بگیرد.

اما الیاس نادران، نماینده مجلس هشتم به موضوع دیگری هم اشاره می‌کند و این که: در حال حاضر، دنیا به سمت دولتی‌تر کردن بانک مرکزی پیش می‌رود و مساله استقلال تنها در حد تئوری قابل توجه و مطرح است. به نظر وی، مهم‌تر از استقلال، شرایط اقتصاد یک کشور است: ممکن است استقلال یک هدف آرمانی تلقی شود، اما باید دید اقتصاد ایران آمادگی پذیرفتن این موضوع را دارد یا خیر؟

استاد دانشگاه تهران در این رابطه تمثیلی هم به کار می‌برد: استقلال بانک مرکزی برای شرایط فعلی اقتصاد ایران، مثل آوردن بنز در کوچه پس‌کوچه‌های روستاهای ایران برای مسافركشی است!

به گفته نادران، استقلال بانک مرکزی باید با تاکید بر شرایط ساختی و نهادی صورت گیرد. با این حال، مصباحی مقدم و خوش‌چهره مستقل کردن بانک مرکزی را بی‌نیاز از شرایط خاص می‌دانند. گو اینکه مصباحی مقدم معتقد است: اگر دو فوریت طرح در مجلس رای بی‌اورد، بدین معناست که ظرف مدت ۴۸ ساعت باید در دستور کار قرار گیرد.

رئیس کمیسیون اقتصادی توضیح می‌دهد: سیاست‌های پولی باید ثبات و آرامش اقتصادی را برای کشور به همراه آورد. این سیاست‌ها باید به صورت سیاست‌های بلندمدت اتخاذ شوند و تحت تاثیر نوسانات کوتاه مدت و تصمیمات زودگذر قرار نگیرند، موجبات حفظ ارزش پولی ملی، کنترل حجم نقدینگی و مهار تورم را فراهم کنند و این‌ها نیازمند یک جایگاه مستقل برای بانک مرکزی نسبت به دولت است.

خوش‌چهره هم تاکید می‌کند که استقلال بانک مرکزی، یک مدل تکاملی برای اقتصاد کشورها است که در حال حاضر، در اکثر کشورهای دنیا در حال پیاده شدن است. به گفته وی، استقلال بانک مرکزی اجازه نمی‌دهد که دولت نگاه افراطی به منابع ملی داشته باشد.

احمد میدری، استاد دانشگاه علامه طباطبایی نظری متفاوت دارد. وی در گفتگوی کوتاهی معتقد است که موافقان طرح استقلال تحت تاثیر تورم ۲۰ درصدی قرار گرفته‌اند، اما باید روشن شود که این استقلال در چه بخش است، انتخاب مدیران یا سیاست‌های پولی؟

به نظر میدری، نیاز اول اقتصاد ایران در شرایط فعلی، هماهنگی با دولت است نه استقلال. استاد اقتصاد دانشگاه علامه و نماینده مجلس ششم توضیح می‌دهد که دولت، سیاست رشد و استقلال و عدالت و غیره را در مدنظر دارد، اما بانک مرکزی تنها به شاخص تورم توجه می‌کند و لازم است که تحت تدبیر دولت، سیاست‌های معطوف به کاهش تورم اتخاذ شود.

میدری از اختلاف اخیر چهرمی و مظاهری به عنوان

بانک مرکزی، بانک نظام جمهوری اسلامی ایران است، نه بانک ویژه دولت؛ بنابراین، به لحاظ مدیریت نیز بستگی به کلیت نظام پیدا می‌کند.